



doi A Study on Waqf Documents of Qajar Tehran: A Comparative Analysis of Endowment Expenditures

 Zohreh Ataei Ashtiani¹

 Sayedeh Fahimeh Mousavi²

Submit Date: 2024-11-23 Revise Date: 2025-01-30 Accept Date: 2025-04-21 Published Date: 2026-03-01 pp:5-27

Abstract

Waqf (endowment) is one of the most significant components of the Islamic Iranian urban structure, playing a crucial role in shaping and organizing public spaces and, consequently, in the development of cities such as Isfahan, Shiraz, and Tehran. Despite numerous studies on waqf, the available information in this field remains insufficient and fragmentary. The present research, conducted to examine the impact of endowment patterns on the formation of Tehran, seeks to answer the question of for what kinds of purposes most Tehran endowments were established and why. Employing a documentary and library-based research method and drawing upon historical documents and archival sources, this study provides a statistical classification of Qajar-period endowments in Tehran according to their types of expenditure. In doing so, it elucidates the scope of waqf spending and clarifies the relationship between Tehran's urban development and the needs of Qajar society. Findings indicate that during the Qajar period, religious expenditures accounted for the largest share of endowed revenues -approximately fifty-five to sixty-six percent of the waqf deeds- followed by charitable and educational purposes, which ranked second and third, respectively.

Keywords: Waqf, Tehran, Endowment Expenditures, Qajar Period.

CONFLICT OF INTERESTS

The authors declare that there is no conflict of interest regarding the publication of this paper.

This is an open access article under the terms of the [Creative Commons Attribution-NonCommercial License](#), which permits use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited and is not used for commercial purposes.

© 2024 The Author(s). Journal of Codicology and manuscript research published by Torath pub. on behalf of the Scientific Association of Manuscript Research and Codicology of IRAN.



1 . Faculty Member (Lecturer), Center for Asian Cultural Documents, Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran.

2 . M.A. in History of Islamic Iran, Institute for Humanities and Cultural Studies; M.A. in Sociology, Faculty of Social Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.



References

- Ahmadi, Nozhat. (2008). Endowment and the Expansion of Medical Affairs. Tehran: Waqf Culture Research and Development Foundation.
- Ahmadi Maleki, Rahman. (1998). "Old Water Drinking Fountains (Saqa-khanehs) of Tehran," Waqf, eternal legacy Journal, No. 23 & 24, pp. 84-89.
- Amanat, Abbas. (2019). Qiblah of the World. Translated by H. Kamshad. Tehran: Karnameh Publications.
- Dabirsiaghi, Mohammad. (1999). "Endowment Deed of the Two Qanats of Sadrabad and Kazemabad and the Shops around the Nazmieh Garden in Tehran," Waqf, eternal legacy Journal, No. 28, pp. 29-36.
- Esmaili, Esmat. (1995). "A Report on the Foundation of the Endowments of Sardar Firuzkuhi," Waqf, eternal legacy Journal, No. 11-12, pp. 120-126.
- Etehadieh, Mansoureh. (2002). "Endowments and Public Services of Abdolhossein Mirza Farmanfarma," Waqf, eternal legacy Journal, No. 37, pp. 47-62.
- E'temad al-Saltaneh, Mohammad Hasan. (1984). Al-Ma'aser al-Athar. Tehran: Asatir.
- Flandin, Eugène. (1977). Voyage en Perse. Translated by H. Nour-Sadeghi. Tehran: Ashrafi Publications.
- Floor, Willem M. (2007). Public Health in Qajar Iran. Translated by A. Nabipour. Tehran: n.p.
- Jaubert, Pierre Amédée. (1968). Voyage en Arménie et en Perse. Translated by M. Mosahab. Tabriz: Chehr Publications in collaboration with Franklin.
- Kariman, Hossein. (1976). Tehran in the Past and Present. Tehran: National University.
- Kasravi, Ahmad. (2006). History of the Iranian Constitutional Revolution. Tehran: Amir Kabir Publications.
- Keshavarz, Mohammad. (2009). "Motivations of Endowers in Tehran," Miras-e Javidan, Year 17, No. 68, pp. 100-109.
- Keyhan, Masoud. (1931). Detailed Geography of Iran. Tehran: Majles Printing House.
- Mohaqeq al-Helli, Najm al-Din Ja'far. (1983). Sharaye' al-Islam fi Masael al-Halal va al-Haram. Tehran: Esteqlal Publications.
- Mortezaei, Marzieh. (2012). "An Endowment Deed from Agha Mehdi Malek al-Tojjar," Waqf, eternal legacy Journal, No. 79-80, pp. 207-216.
- Mortezaei, Marzieh. (2013). "Endowment Deed of the Qanat of Hosseiniyeh of Tehran," Waqf, eternal legacy Journal, No. 84, pp. 127-136.
- Rezaei, Omid. (2007). *Catalogue of Iranian Endowment Documents from the Beginning until February 11, 1979*. Vol. 4. Tehran: Organization of Endowments and Charity Affairs, Osoveh Publications.




- Sa'advandian, Sirius; Etehadieh, M. (1989). Dar al-Khalafeh Tehran: Documents on the Social History of Tehran in the Qajar Era. Tehran: Tarikh-e Iran Publications.
- Shah-Hosseini, Parvaneh. (Autumn 1996). "Geographical Study of Endowments in Tehran City; Qajar and Pahlavi Periods," Geographical Journal, No. 42, pp. 117-133.
- Shah-Hosseini, Parvaneh. (1998a). "Tracing Endowments in the Cultural Structure of Tehran City from the Qajar Period to the Islamic Republic," Social Research Journal, No. 48, pp. 111-119.
- Shah-Hosseini, Parvaneh. (1998b). "Endowments of Tehran City," Geographical Researches Journal, No. 34, pp. 54-71.
- Safari Froushani, Nematollah; Qaraati, Hamed. (2016). "Investigating the Role-Playing of Mosque-Schools in Reforming and Elevating Religious Discourse (Case Study: Tehran in the Period of Examining the Function of Endowed Bathhouses in Iran)," Waqf, eternal legacy Journal, No. 94, pp. 75-90.
- Werner, Christoph. (1999). "Female Founders of Pious Endowments in Qajar Tehran," Waqf, eternal legacy Journal, No. 28, pp. 115-122.





پژوهشی در اسناد وقفی تهران قاجاری، بررسی تطبیقی مصارف موقوفات

زهرة عطایی آشتیانی^۱  سیده فهیمه موسوی^۲ 

از صفحه ۵ تا صفحه ۲۷ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۰۳ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۰/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۰۵ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۲/۱۱

چکیده

وقف یکی از مهم‌ترین عناصر شهر اسلامی ایرانی به شمار می‌رود که موجب شکل‌گیری و انتظام فضایی اماکن عمومی و به تبع آن، توسعه شهرهایی همچون اصفهان، شیراز و تهران گردیده است. با وجود مطالعات بسیاری که در رابطه با وقف انجام شده، اطلاعات در این زمینه، همچنان ناکافی و ناقص است. در پژوهش حاضر که به منظور بررسی تأثیر الگوی وقف، در شکل‌گیری شهر تهران صورت گرفته، تلاش شده تا به این مساله پرداخته شود که موقوفات تهران اغلب برای چه نوع مصارفی در نظر گرفته می‌شدند و چرا؟ با استفاده از روش تحقیق کتابخانه‌ای و اسنادی و با بهره‌گیری از اسناد و مدارک تاریخی، به طبقه‌بندی آماری موقوفات تهران در دوره قاجار، بر اساس نوع مصرف آن‌ها پرداخته شد؛ بدین ترتیب گستره مصرف موقوفات تهران به دست آمده و ارتباط توسعه شهری تهران، با نیازهای جامعه قاجاری، روشن شده است. بر اساس یافته‌های پژوهش، در طول دوره قاجار، مصارف مذهبی بیشترین عایدات موقوفات را به خود اختصاص داده است که چیزی حدود پنجاه و پنج تا شصت و شش درصد وقف‌نامه‌ها را دربرمی‌گیرد، و پس از آن، امور خیریه و آموزش در جایگاه دوم و سوم قرار داشت.

واژگان کلیدی: وقف، شهر تهران، مصرف موقوفات، دوره قاجار

Cite this article: Ataei Ashtiani, Zohreh, Mousavi, Sayedeh Fahimeh. (2026). A Study on Waqf Documents of Qajar Tehran: A Comparative Analysis of Endowment Expenditures. Journal of Diplomatic Studies and Research (DPR) (In Persian: Motale'ate sanadPazhūhi va fehrest-negari). Vol-1, Issue-1, 5-27.

۱. عضو هیات علمی، مربی، گروه مرکز اسناد فرهنگی آسیا، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.
۲. فارغ التحصیل کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.



۱- مقدمه

مقاله‌ی حاضر نتیجه طرح پژوهشی عنوان «بررسی نقش وقف در شکل‌گیری و توسعه فضایی شهر تهران دوره قاجار» است که یکی از موضوعات بررسی شده طی فرایند پژوهش مساله «نوع مصرف وقف»، از بین بی‌شمار موقوفات شهر تهران است این‌که چه تعداد برای مصارف آموزشی در نظر گرفته شده بود؟ چه تعداد موقوفه و از چه زمانی برای تامین آب ساکنین محل و باقی موارد در نظر گرفته شده بود؟ کدام نوع مصرف در کدام محله بیشتر بود؟ و چرا مصرف مذهبی به ویژه عزاداری بیش از باقی مصارف مورد توجه بود؟ در وهله نخست ممکن از چنین به نظر آید که باورهای مذهبی قوی مهمترین عامل کثرت مصارف مذهبی بود اما علاوه بر عامل باور و اعتقاد واقفان، عوامل دیگری نیز در این انتخاب دخیل بودند. علاوه بر این، تغییر و تحولاتی که نوع مصرف وقف در طول دوره قاجار داشت خود قابل تامل بود و نیاز به بررسی مجزا داشت.

۱-۱- منابع پژوهش

از منابع راهنما در این تحقیق مأخذشناسی وقف با فهرستی از مقالات، کتاب‌ها و پایان‌نامه‌های مرتبط با وقف در تهران و مطالعه مقالات بی‌شماری که هریک دارای نکات قابل توجهی در شناخت بیشتر و بهتر از موقوفات شهر تهران، بودند. مقالاتی همچون: «وقف‌نامه مجلس شورای ملی»، «بررسی کارکرد حمام‌های وقفی در ایران»، «بررسی نقش وقف در توسعه مراکز علمی و آموزشی»، «سقاخانه‌های قدیمی تهران»، «وقف در ساختار فرهنگی شهر تهران»، «موقوفات شیخ علی‌خان رشتی شفتی بر مدرسه خان‌مروی»، «وقف‌نامه مسجد مدرسه محمودیه تهران»، «وقف‌نامه قنات حسینیة تهران»، «نقش وقف در ایجاد کتابخانه در ایران». همچنین دو کتاب نگاهی به امور خیریه در دوره قاجار و مؤسسات خیریه رفاهی و بهداشتی در دوره رضا شاه نیز به اهم امور خیریه اعم از وقفی و غیر وقفی، پرداخته‌اند. مجموعه مقالات وقف و گسترش امور درمانی نیز به صورت ویژه به وقفیات درمانی توجه دارد. هر سه اثر اطلاعات مفیدی در رابطه نوع خاصی از مصرف موقوفات تهران داشتند.

با عنایت به عدم تمرکز اسناد وقفی با استفاده از کتاب فهرست اسناد موقوفات ایران (جلد چهارم دفتر اول) خلاء‌هایی که به دلیل عدم دسترسی به منابع وجود داشت تا حدودی جبران شد و به استخراج داده‌های آماری کمک قابل توجهی شد و برای تکمیل یافته‌های خام با استفاده از کتاب آماردارالخلافة شهر تهران در رابطه با بناها و جمعیت تهران در زمان قاجار است، تطبیق و مقایسه داده‌های اسنادی با بناهای وقفی طی سه گزارش بسیار مهم کتاب فراهم آمد:



۱. گزارش آمار نفوس و بناهای دارالخلافه در سال ۱۲۶۹ ق.
۲. گزارش آمار و نفوس بناهای دارالخلافه در سال ۱۲۸۶ ق.
۳. گزارش آمار و نفوس بناهای دارالخلافه در سال ۱۳۱۷ ق.

۱-۲- پیشینه پژوهش:

پیش از این در دو پژوهشی به مصرف موقوفات تهران به اختصار و به عنوان یک موضوع فرعی پرداخته شده است. پروانه شاه حسینی در مقاله «وقف‌شناسی جغرافیایی شهر تهران»، جدول زیر از درصد فقره‌ای نیت واقفان دوره قاجار ارائه کرده است.

جدول شماره ۱. تعداد و درصد فقره‌ای موقوفات در شهر تهران در دوره قاجار							
دوره / نیت	مذهبی	آموزشی	درمانی	امور خیریه	سایر	جمع کل	قاجار
تعداد	۱۱۸۹	۸۶	۱۷	۱۲۰	۵۵	۱۴۶	۷
درصد	۸۱	۵/۹	۱/۲	۸/۲	۳/۷	۱۰۰	

(شاه حسینی، پاییز ۱۳۷۵، ص. ۱۲۳)

بین جدول فوق و آماری که در ادامه ارائه خواهد شد، دو تفاوت عمده به چشم می‌خورد: نخستین تفاوت این است که ایشان توضیح و داده‌های بیشتری نیامده است و به آوردن جدول فوق و توضیحات کلی بسنده شده به علاوه بر این سهم نیت مذهبی در جدول شاه حسینی بیش از درصد مصرف مذهبی در آمار مقاله حاضر است و درصد مصرف امور عام‌المنفعه و خیریه و آموزش در نمودار مقاله حاضر بیش از درصد مشخص شده در جدول ارائه شده‌ی شاه حسینی است که می‌تواند به دو دلیل روی داده باشد: نخست به دلیل تفاوت در میزان دسترسی به اسناد و دومین دلیل می‌تواند متأثر از شیوه متفاوت دسته‌بندی و طبقه‌بندی موارد مصرف باشد. به طور مثال در مقاله حاضر، اطعام فقرا، تامین ذغال و لباس با هر نیتی که واقف داشته باشد و بنای سقاخانه حتی اگر نیت در راه خدا و اهل بیت باشد را جزء امور عام‌المنفعه و خیریه در نظر گرفته‌اند، به این سبب که موجب بهبود وضعیت زندگی قشر محروم جامعه می‌گردد، ولی ممکن است شاه حسینی همین موارد را به سبب نیت مذهبی که در وقف‌نامه قید شده آن را مذهبی در نظر گرفته باشند.

توضیح این نکته ضروری است که شاه حسینی از واژه نیت استفاده کرده، ولی در مقاله حاضر این واژه مناسب



به نظر نرسید؛ به این خاطر که به هیچ طریق نمی‌توان نیت واقف را مشخص کرد. نیت یک امر درونی و غیرقابل شناسایی است. ممکن است واقفی در وقفنامه، نیت خود را جلب رضای خدا قید کرده باشد، اما نیت اصلی او کسب اعتبار در میان مردم باشد؛ یا نیت خود را عزاداری اهل بیت ذکر کرده باشد، اما نیت اصلی او حفظ اموال از خطر مصادره باشد. در این مقاله به جای واژه نیت، از کلمه **مصرف** استفاده شد، چرا که نوع مصرف مندرج در وقفنامه مشخص است، در این صورت نیازی نیست، به نیت غیرقابل بررسی واقف پرداخته شود.

محمدکشاورز در مقاله «بررسی انگیزه واقفان در شهر تهران...» نیز همچون شاه‌حسینی به انگیزه -و نه مصرف- پرداخته است. وی انگیزه واقفان را به دو دسته عمده تقسیم کرده و به طور کلی ۶ انگیزه اصلی را مطرح کرده است:

انگیزه حفظ و نشر دین از طریق ایجاد موسسه‌های آموزشی و مساجد، انگیزه‌های شخصی، حفظ اموال به دلیل ترس از مصادره، موروثی ساختن در خانواده خود، عدم امنیت در جامعه جهت حفظ اموال شخصی، حمایت از فرزندان، انگیزه شخصی، وقف امور خیریه و جلب حمایت‌های مردمی (کشاورز، ۱۳۸۸: ۱۰۹-۱۰۰).

به نظر می‌رسد شاخص‌های انتخاب شده دارای هم‌پوشانی مفهومی است که به طور مشخص مصارف موقوفات را تعیین نمی‌کند. این دسته‌بندی اما و اگرهای بسیاری دارد. اولاً این که «حفظ اموال به دلیل ترس از مصادره» و «عدم امنیت در جامعه جهت حفظ اموال شخصی» هم‌پوشانی زیادی دارند. در واقع وقتی در جامعه قوانین زیر پا گذاشته شود و امنیت حاکم نباشد، مصادره اموال ممکن می‌شود. دوماً این که «موروثی ساختن در خانواده خود» اگر امنیت و قانون رعایت شود، خواه ناخواه اموال در خانواده موروثی می‌شود، در واقع این انگیزه تابع گزینه نخست است. در نهایت این که این مقاله نیز دسته‌بندی از مصارف وقف ارائه نمی‌کند.

۱-۳- روش پژوهش

پژوهش حاضر ذیل مطالعه‌ای تاریخی با روش پژوهش اسنادی و مطالعه کتابخانه‌ای انجام یافته است. در ابتدا اسناد وقفنامه‌های مرتبط با شهر تهران، مطالعه و دسته‌بندی موضوعی شدند؛ سپس در تکمیل داده‌های گردآوری شده، با استفاده از کتب، نقشه‌ها و گردآورهای دوره قاجار، داده‌های حاصل از بررسی کتابخانه‌ای تنظیم و تدوین شده است.



۱-۴- تعریف مفاهیم

پیش از ورود به بحث اصلی، بیان معنای دقیق واژه وقف ضروری به نظر می‌رسد. «وقف در لغت به معنای متوقف کردن است و در اصطلاح به معنای حبس کردن اصل مال و آزاد گذاردن منفعت آن است» (محقق حلی، ۱۴۰۳). وقف عبارت است از این‌که عین مال حبس و منافع آن تسبیل شود (ماده ۵۵ قانون مدنی). وقف از جمله عقود است که در میان مسلمانان از اعتبار خاصی برخوردار است.

۲- یافته‌های پژوهش

مصارف وقف در دوره قاجار به چند دسته کلی تقسیم می‌شوند: مذهبی، آموزشی، خیریه و عام‌المنفعه، درمانی و وقف خاص که در ادامه شرح داده خواهد شد.

۲-۱- مصرف مذهبی

چنان‌که در جدول زیر مشاهده می‌شود مصرف مذهبی، خود انواعی دارد: عزاداری و روضه‌خوانی، مهم‌ترین مصرف مذهبی در دوره قاجار است که تعداد بسیاری از وقف‌نامه‌ها بدین امر اختصاص داده شده است. در بیشتر وقف‌نامه‌ها، عزاداری رتبه نخست را دارد؛ که در عمل به معنای پرداخت دستمزد روضه‌خوان‌ها و فراهم آوردن قهوه، آب و غذا برای شرکت‌کنندگان مجلس عزاداری است. مورد دیگری که در بسیاری از وقف‌نامه‌ها آمده، اطعام اهل عزا است؛ این موارد به‌طور کلی و بدون اشاره به چگونگی خرج عواید برای این منظور، بیان شده است. علاوه بر این‌ها، در برخی از وقف‌نامه‌ها تأمین مخارج آیین‌های ویژه همچون عید غدیر، ختم قرآن، شب‌های قدر و ... مشخص شده است.

بیشترین تعداد مکان‌های مذهبی وقفی در شهر تهران، مساجد هستند. درباره مساجد آمارها کمتر، مخفی‌تر و دستی‌نیافتنی‌تر هستند و اطلاعات شفاهی وجود ندارد. مساجد بسیاری در دوره قاجار ساخته و وقف شده است، ولی وقفی بودن یا نبودن همه آن‌ها مستند نیست و به همین علت، در جدول ذیل به مواردی که سند وقفی آن‌ها در دست است، اشاره شده است.



جدول شماره ۲. تعداد فقره‌ای مصرف مذهبی در وقفنامه‌های دوره قاجار تهران

عزاداری و روضه‌خوانی	۳۸۳	اطعام اهل عزا	۱۰۴	تعمیر و مخارج مسجد	۷۵
اعانت زوار	۴۲	ماه رمضان و شب‌های قدر	۱۸	تعمیر و مخارج حسینییه و تکیه	۱۴
احداث مسجد	۱۴	ختم قرآن	۱۱	کمک به سادات فقیر	۷
عید غدیر	۸	نایب‌الزیارگی	۶	رد مظالم	۶
استیجار صوم و صلوات	۳	روشن کردن شمع	۳	مقبره سیده‌ملک خاتون دختر امام	۱
ترویج مسائل دینی	۱	امامزاده صالح	۳	احداث حسینییه و تکیه	۱
امامزاده زید	۱	امامزاده اسماعیل	۲	خمس سادات و سهم امام	۱
جهت ۱۴ معصوم	۱				

البته باید این نکته را در نظر داشت که مسجد، برای مسلمانان، مکان مقدّسی است و حتی در صورت ویرانی بنای مسجد، مسجد دیگری به جای آن ساخته می‌شود. یعنی مکان مذهبی همواره حرمت و قداست خود را حفظ می‌کند. مساجد مکان درآمدزایی نیستند، بنابراین چه وقف‌نامه آن‌ها در دست باشد چه نباشد، با این مکان‌ها همچون ملک وقفی و حتی سخت‌گیرانه‌تر از ملک وقفی برخورد می‌شود. در بسیاری از وقف‌نامه‌ها، رقبات بسیاری برای تأمین مخارج مسجد احداثی واقف، وقف شده‌اند، اما در خود وقف‌نامه اشاره مستقیمی به وقف مسجد نشده است. در گذشته مساجد نقش مهمی در شهرهای اسلامی داشتند؛ و علاوه بر کارکرد مذهبی، مکانی برای تبادل آرای شهروندان و تعاملات اجتماعی بودند. بیشتر بازارها در شهرهای اسلامی، پیرامون مسجد جامع و مساجد بزرگ شهر بنا می‌شدند. در واقع باید مسجد را قلب تپنده شهر اسلامی دانست.

حسینییه‌ها در دوره قاجار، از نظر فضایی ماهیت مستقلی نداشتند، بلکه این تکایا در تهران قدیم میدان‌چه‌هایی بودند که در تمام طول سال، تنها کارکرد ارتباطی داشتند و فقط در دهه محرم برای عزاداری و تعزیه آماده و تزئین می‌شدند. معمولاً در این میدان‌چه‌ها یا میدان‌ها، هیچ فضای مهم اجتماعی یا تجاری وجود نداشت. اما امروزه بسیاری از این تکایا به مکان‌های تجاری تبدیل شده‌اند و در مواقع سوگواری برای مراسم آماده می‌شوند. مانند تکیه منوچهرخان در بازار تهران که در حال حاضر به پاساژ بهرامی تبدیل شده است. یا تکیه رضاقلی در محله عودلاجان یا تکایای بازار تجریش (شاه حسینی، ۱۳۷۷ ب: ۵۹).



در بیشتر اسناد وقفنامه‌هایی که نوع مصرف را عزا داری قرار داده اند، قید و شرط خاصی درباره چگونگی اداره موقوفه، جمع آوری و توزیع عایدی املاک و مستغلات وقفی، میزان درآمد بالقوه موقوفه و جزئیات دیگر، ذکر نشده است. تصمیم‌گیری درباره جزئیات و چگونگی مصرف عایدی، طبق صلاح دید متولی موقوفه، صورت می‌گرفته است. بیشتر واقفان، حق اداره موقوفات خود را در زمان حیات، با وجود انتخاب متولی، داشتند و پس از مرگ نیز فرزندان پسر را به تولیت موقوفات برمی‌گزیدند.

با توجه به آن چه گفته شد و در نظر گرفتن این نکته که در دوره قاجار هیچ نهاد یا سازمانی برای نظارت بر موقوفات و چگونگی مصرف آن‌ها وجود نداشته است، نمی‌توان به‌طور دقیق مشخص کرد که چه میزان از این موقوفات، واقعاً برای نیت درج شده در وقفنامه، خرج شده‌اند. تنها مصارف مذهبی که می‌توان اطمینان حاصل کرد که عایدات آن، صرف خودش شده است، در زمینه احداث یا تعمیر مساجد، تکیه و حسینیه و امامزاده‌ها است که نمود عینی داشته و قابل مشاهده مردم بوده‌اند. این نوع از موقوفات مذهبی، درصد ناچیزی از مصارف مذهبی را شامل می‌شد و باقی موارد که به مراسم اختصاص داشتند، غیرقابل پیگیری هستند. تعداد وقفنامه‌های با مصرف عزا داری بیشتر است، اما احداث مساجد و تکایا و تعمیر امامزاده‌ها نیاز به سرمایه بیشتری دارد و بیشتر واقفان این نوع وقف، از اشراف و درباریان بودند.

۲-۲- وقف و آموزش

در دوره قاجار، به‌ویژه اوایل آن، موقوفات با مصرف آموزش، بیشتر مدارس دینی را در بر می‌گرفت. تا پیش از اعزام دانشجویان به فرنگ و تأسیس مدرسه دارالفنون، در ایران به علوم دینی بیش از علوم جدید بها داده می‌شد. صفری‌فروشانی و قرائتی در مقاله‌ای تعداد مسجدمدرسه‌های^۱ باقی مانده از دوره قاجار را بیست و شش مسجد-مدرسه دانسته‌اند. (صفری‌فروشانی و قرائتی، ۱۳۹۵: ۳۸) بر اساس اطلاعات مندرج در کتاب فهرست موقوفات ایران، این آگاهی وجود دارد که از میان آن‌ها هفده مسجد-مدرسه، وقفی هستند که عبارتند از: حکیم هاشم (مهدعلیا)، صدریه، سپهسالار قدیم و جدید، خان مروی، شیخ عبدالحسین، فتحیه، محمودیه، معیرالممالک، فیلسوف‌الدوله، خازن‌الملک، سید ناصرالدین، معمارباشی، میرزا عیسی‌خان وزیر (شیخ هادی)، مشیرالسلطنه، مدرسه عبدالله‌خان و میرزا زکی نوری. علاوه بر این‌ها، در کتاب دارالخلافة تهران، به شش مدرسه علمی و وقفی دیگر اشاره شده است که عبارتند از: مسجد-مدرسه محمدیه، مدرسه میرزا صالح تهرانی، مدرسه حاجی محسن، مدرسه

۱. «مسجد-مدرسه» کارکردهای اصلی مسجد و مدرسه را توأمان دارد. در متون تاریخی از این نوع بناها با عناوینی نظیر «مسجد»، «مدرسه» و یا غالباً «مسجد و مدرسه» یاد شده است.



آغامحمد خواجه مرحوم، مدرسه یونس خان و مدرسه رضاعلی (سعدوندیان و اتحادیه، ۱۳۶۸). وجود هفده مسجد - مدرسه وقفی و شش مدرسه علمیه وقفی در تهران دوره قاجار قابل توجه است.

جدول شماره ۳. تعداد فقره‌ای مصرف آموزشی موقوفات تهران در دوره قاجار					
مدرسه علمیه	۲۴	مدرسه جدید	۶	خرید کتاب	۲۲
مخارج مدرسه علمیه	۲۹	مخارج مدرسه جدید	۷	معیشت طلاب	۳۹
کتابخانه	۱	مکتبخانه	۱	تحصیل ایتم	۲
آموزش قرآن	۱				

موقوفات مرتبط با آموزش تنها به احداث مسجد - مدرسه محدود نمی شد. بسیاری از موقوفات کوچک نیز بخشی از عایدی خود را به تأمین معیشت طلاب یا خرید کتاب اختصاص می دادند. در برخی از مسجد - مدرسه ها همچون مدرسه مروی و مدرسه شیخ عبدالحسین، علاوه بر واقف اصلی و مؤسس، دیگران هم برای مخارج همان مجموعه رقباتی را وقف کرده اند، به ویژه برای مسجد - مدرسه مروی و مسجد - مدرسه شیخ عبدالحسین، رقبات بسیاری وقف شده اند.

در دوره ناصری نیز مکتب خانه ای وقف شده بود که در قسمت مصرف وقفنامه میرزا حسین خان سپهسالار، به مخارج مکتب خانه وقفی اشاره شده است. البته در قسمت موقوفات به مکتب خانه اشاره ای نشده و تنها در قسمت مصرف رقبات آمده که بخشی از عایدات، صرف مکتب خانه واقف خواهد شد. همان طور که به مسجد و مدرسه سپهسالار هم در قسمت موقوفات اشاره نشده، ولی از متن وقفنامه ی سپهسالار معلوم می شود که این مسجد - مدرسه وقفی است (رضایی، ۱۳۸۶: ۱۱۶).

میرزا حسن رشدیه، پس از ویرانی مدرسه اش در تبریز، به دعوت امین الدوله، راهی تهران شد و در باغی در دروازه قزوین، نخستین مدرسه جدید تهران را در سال ۱۳۱۵ ق. تاسیس کرد^۱. بعدها شیخ هادی نجم آبادی برای ممانعت از تخریب، پشتیبانی و نگهداری از مدرسه را برعهده گرفت. هر چند سندی مبنی بر وقفی بودن این مدرسه مشاهده نشد. نویسنده مقاله ردیابی وقف در ساختار فرهنگی شهر تهران، این مدرسه را وقفی دانسته است. (شاه - حسینی، ۱۳۷۷: الف) روحانی دیگری که از تأسیس مدارس جدید حمایت کرد «شادروان سید محمد طباطبایی بود که دبستانی به نام اسلام را بنا و آن را وقف کرد». (همان: ۱۱۴) بخش اول این گفته، یعنی تأسیس مدرسه

۱. دارالفنون پیش از این تاسیس شده است، اما دارالفنون یک مرکز آموزش عالی است نه مدرسه با معنای متوالی که امروزه به کار می رود و مختص آموزش در سطوح ابتدایی تر است.



اسلام، در کتاب تاریخ مشروطه کسروی تأیید شده است (کسروی، ۱۳۸۵: ۳۸) ولی برای ادعای وقفی بودن مدرسه، منبع یا سندی وجود ندارد. علاوه بر این دو مدرسه، باید به مدرسه وقفی خیریه ایتام اشاره شود که سردار فیروزکوهی در سال ۱۳۱۶ ق.ه. برای افراد بی سرپرست و بی بضاعت تأسیس و وقف کرد (اسماعیلی، ۱۳۷۴: ۱۲۱). همچنین سه مدرسه جدید در دوره مظفرالدین شاه وقف شده است، اما در فهرست اسناد موقوفات ایران، به هیچ‌یک اشاره‌ای نشده است.

بر اساس کتاب فهرست اسناد موقوفات ایران، اولین مدرسه وقفی جدید، مربوط به دوره محمدعلی شاه است. یکی از نخستین مدارس جدید وقفی، مدرسه‌ای است که جمشیدالتجار، طبق وصیت اسفندیار پارسی، برای دختران زرتشتی بنا کرد که روبه‌روی پارک اتابک قرار داشت (رضایی، ۱۳۸۶: ۲۷۹). یکی دیگر از مدارس وقفی، مدرسه سادات دولت آبادی بود.

یکی از دلایل وقف مدارس به دست اقلیت‌های مذهبی، مشکلات ناشی از تأسیس مدارس جدیدی بود که رویکرد مذهبی نداشتند. یکی از نخستین مدارس که به شیوه جدید، به دست رشديه در تبریز تأسیس شد، کمی بعد به دست متعصبین تخریب شد. پس از این ماجرا، روشن فکران و روحانیون آگاه عصر قاجار، به چند روش کوشیدند تا تأسیس مدارس جدید و ورود افراد به این مدارس را تسهیل کنند. از جمله:

- انتساب این مدارس به روحانیون نامدار همچون سید محمد طباطبایی و شیخ هادی نجم‌آبادی.
 - گنجاندن علوم دینی در دروس مدارس جدید.
 - وقف مدارس (زیرا وقف از تقدس خاصی برخوردار بود و هیچ‌کس توان دست‌درازی یا تخریب آن را نداشت).
- برخلاف موقوفات با نیت‌های مذهبی، وقف به منظور مصارف آموزشی همچون مسجد - مدرسه‌ها، مدارس جدید، یا مصارف درمانی یا مصارف خیریه مانند وقف سقاخانه و قنات، در دیدرس همه مردم قرار داشتند و قابل پیگیری بودند؛ هر چند تعداد این نوع مصارف، کمتر از مصرف مذهبی بود، اما قابل پیگیری و تشخیص بود و جالب این که بین این قبیل وقف‌نامه‌ها احتمال این که متولی، کسی به غیر از واقف و اولادش باشد بیشتر است. برای مثال مسجد - مدرسه شیخ عبدالحسین یا مریضخانه عیسی‌وزیر که واقف و متولی آن‌ها، افراد متفاوتی هستند. یکی از مهم‌ترین تغییراتی که در نوع مصرف وقف، در طول دوره قاجار مشاهده می‌شود، این است که تا پیش از عصر ناصری، بیشتر وقف‌نامه‌ها یا مصرف مذهبی داشتند یا از آموزش مذهبی حمایت می‌کردند و یا وقف خاص (وقف اولاد و بستگان نزدیک) بودند. از دوره ناصری به بعد مصارف جدید و عمومی، نظیر وقف مریض‌خانه و دو وقف‌نامه مهم آب هم دیده



می‌شود. وقف‌نامه‌های کوچک بسیاری به امور مذهبی اختصاص داده شده‌است، اما بیشتر موقوفات عظیم، امور عام‌المنفعه و انستیتو پاستور را پوشش می‌دهند.

۲-۳- وقف و امور عام‌المنفعه (قنات، حقاچه رودخانه، آب انبار، سقاخانه و...)

به علت خشکی آب و هوای تهران و نیز عدم بارش کافی در بیش از شش ماه سال و فصلی بودن آب جویبارها و نبود رودخانه در نزدیکی تهران، این شهر از ابتدا دچار کمبود آب بود. ولی پس از انتخاب آن به عنوان پایتخت و افزایش بیش از حد جمعیت این منطقه، مسأله آب به مشکلی اساسی تبدیل شد. به همین جهت، در تمام دوران قاجار، تأمین آب شیرین یکی از مهم‌ترین مشکلات شهر تهران بود. وضعیت آب در تهران به حدی وخیم بود که حتی نظر سفرنامه‌نویسان اروپایی که زمان کوتاهی در این شهر اقامت داشته‌اند را به خود جلب کرده است. برای مثال ژوبر، سفیر ناپلئون در دربار فتحعلیشاه درباره‌ی وضعیت آب تهران چنین آورده است:

«... این شهر در زمانی که من در آنجا می‌زیستم چندان پیشرفتی نداشت و جمعیت آن سی‌هزار نفر بیشتر نبود، چون مقرر پادشاهی شد، جمعیت و توانایی روزافزون است و فتحعلی‌شاه قصد دارد رودخانه‌ای در آنجا روان سازد. این رود در غرب در فاصله دو فرسنگی جاری است و مردمان مرفه و توانا، آب از آنجا برای خود می‌آورند، ولی آبی که در جوی روان است چون آب آن جوی‌ها بد مراقبت می‌شود آدم را بیزار می‌کند» (ژوبر، ۱۳۴۷: ۲۵۴)

دوره فتحعلی‌شاه آوردن آب کرج به تهران عملی نشد، این مساله در دوره محمدشاه ادامه یافت و به قدری بحرانی شد که سلامت اهالی شهر را به خطر انداخت و اوژن فلاندن از سیاحان این دوره در این باره چنین نوشته است: «ازکوچه‌ها و بازارها که حرارت آفتاب تابستان بدان‌ها می‌تابد، در اثر آب‌های متعفن، بخارات نامطبوع متصاعد می‌شود که تولید تب و بیماری‌های خطرناک می‌نماید» (فلاندن، ۲۵۳۶: ۲-۱۱۱)

فلور درباره‌ی علت بروز چندباره‌ی وبا در ایران چنین می‌نویسد: «علت اصلی آن عدم درک رابطه‌ی بیماری و نبودن تقریباً کامل بهداشت فردی بود». (فلور، ۱۳۸۶: ۷۳۴) و با این‌که از سال ۱۲۶۵ ه.ق. ارتباط آب آلوده و بیماری وبا معلوم شده بود، ولی اقدامی در راستای رعایت بهداشت آب نشد. آب چشمه‌ها، چاه‌ها و قنات‌های روستایی که در جوی‌ها جاری می‌شد، با آب زباله و پسماندها می‌آمیخت و در آب‌انبار خانه‌ها جمع می‌شد که پر از انواع حشرات بود. (همان: ۸۵).

تعداد بالای موقوفات مرتبط با آب، به صورت قنات یا حقاچه یا احداث و تعمیر آب‌انبارها و سقاخانه‌ها، در دوره قاجار قابل توجه است. با افزایش تدریجی جمعیت و گسترش دارالخلافه و بروز مشکل کم‌آبی، حفر قنات و به تبع



آن وقف قنات افزایش یافت. حدود چهل و هشت رشته قنات در تهران عصر قاجار وجود داشت. اعتمادالسلطنه فهرستی از قنات‌های دوره ناصری که آب تهران را تأمین می‌کردند، گردآوری کرده است:

«قنات نواب فیروز میرزا نصرت‌الدوله فرمانفرما، قنات وقفی حاج حسین خان شاهسون نظام‌الدوله، قنات میرزا علی خان امین‌الدوله که پارک و حدود آن را آب‌گیری می‌کرد، قنات امین‌السلطان، قنات مخبرالدوله، قنات حاجی ظهیرالدوله، قنات علاءالدوله امیرنظام، قنات ناصری، قنات میرزا عیسی، قنات حسن‌آباد مستوفی الممالک». (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۱۲۴).

مسعود کیهان نیز حدود نود سال پیش، فهرستی از قنات‌های تهران تهیه کرده که عبارت است از: کرج (امین‌الملک)، اکبرآباد، جعفرآباد، نجف‌آباد، وزیر، باغشاه، شاه، کوثر (فرمانفرما)، کریم‌آباد، بریانک، جلالیه، سنگلج، مخصوص، سفارت انگلیس، سفارت روس، مهرگرد، سفارت آمریکا، بهاء‌الملک، مهدی‌آباد، علاءالدوله، یوسف‌آباد، پامنار، حاج علیرضا، بهارستان، الهیه، نظامیه، سردار، کوثریه، ناصرالملک، بهجت‌آباد، باغ صبا، حبیب‌آباد یا رحمت‌آباد، دارآباد، پونک، صدقه (صدقیه)، صاحب‌الزمانی، امیرآباد، شمیران، یوسف‌آباد، صفرآباد، صارم‌الدوله، حاج محمدعلی، شهاب‌الملک، ناصری و نظامی. از بین این قنات‌ها، نویسنده برخی را قنات وقفی دانسته است که عبارتند از: حاج علیرضا، حاج محمدعلی، شهاب‌الملک، سنگلج، مهرجرد یا مهرگرد، ناصری، نظامی و بهارستان. (کیهان، ۱۳۱۰: ۲)

بر اساس مقالات و اسناد، قنات حسینیه و کاظم‌آباد و صدرآباد نیز به طور قطع وقفی بوده‌اند، ولی در فهرست مسعود کیهان نام‌شان ذکر نشده است.

علاوه بر این قنات‌ها که به صورت کلی توسط بانیان‌شان وقف می‌شدند، بسیاری از واقفان در وقف‌نامه‌های کوچک، حقاچه و سهم آب خود از قنات یا رودخانه‌های تهران را به عنوان رقبه یک موقوفه خاص، وقف می‌کردند. (در بخش مربوط به رقبات به این مورد پرداخته می‌شود).

جدول شماره ۴. جدول قنات‌های وقفی شهر تهران در دوره قاجار			
آب قنات کهریز	۴ ساعت + ۰/۵ ساعت	قنات حسینیه	۶ دانگ
آب قنات کاریز	۲ سهم	قنات صدرآباد	۴ سهم از ۷ سهم
آب قنات کلپولک	۰/۵ ساعت	قنات کاظم‌آباد	۴ سهم از ۷ سهم
آب قنات گلاب	۲ ساعت + ۱/۵ سهم + ۲ سهم	قنات حاج علیرضا	۶ دانگ
آب قنات گل‌افشان	۱ مجرا	قنات نجف‌آباد	۶ دانگ
مجرای آب هراش‌آبه	؟	قنات صاحب‌الزمانی	۴ دانگ



۱ رشته	قنات مهران	۳ ساعت	آب قلقله و خوئیک
۸ رشته	رشته قنات	۲ سهم	آب قنات قلی خانی
۱ حلقه	چاه آب	۴/۵ دانگ	مجرای قنات رضوان
۴ دانگ	قنات عین الحیات	۴ گاو	سهم آب دولاب
۱ مجرا	آب قنات علی حمامی	۱۸ ساعت	قنات قلعه جمال اباد
۱ چاشت	آب قنات سرخه حصار	۳ ساعت	آب قنات حصار بوعلی
۳ ساعت + ؟	آب قنات سرداری	نیم چاشت + ۴ سهم از ۲۶۴ سهم	آب قنات جوزستان برکج و سولک
۳ دانگ	قنات حاجی اباد	۲۸۰ سهم	آب قنات مقصود
۱۲ ساعت + ۳ سهم از ۸ سهم	آب قنات پشت ده	۳ پشیننه از ۶۰ پشیننه	آب قنات مهر جرد
۲ چاشت	آب قنات پایین	۱/۵ سهم از ۲۴۷ سهم	آب قنات ملک اباد
۷۵ سهم از ۲۰۰ سهم	آب قنات ناظم خلوتی	۰/۵ ساعت + ۶ ساعت	آب قنات مصطفی قلی
سهم	و صدراعظمی		
۲ ساعت	قنات کوثریه	۱۶ ساعت	مجرای نهر کردباغ
یک ربع	قنات کربلایی علی	۲/۵ ساعت	آب رودخانه درکه
۱۲ ساعت	آب قنات پشته	۲ سهم	آب نهر شکوائیه
۱۷/۵ دقیقه	حقاب قریه اوین	۲ سهم + ۵ ساعت	آب نهر کل پولک
۳ ساعت	آب قریه سوهانک	نیم چاشت + ؟ + ۴ ساعت	حقابه رودخانه دربند
۴ شبانه روز	حقابه چشمه روبامک	۱ ساعت	آب نهر جماران
؟	آب چشمه	۱/۵ ساعت + ؟	آب رودخانه
	ملا میرزا علی		
۱۸ ساعت	آب چشمه قناتکی	۳ شبانه روز	آب چشمه و سلخ
۴/۵ و ۱ و ۱ ساعت	مجرای آب رودخانه	۶۲ و ۷ ساعت + ۴/۵ سهم + ؟ + ۱۷	سهم آب
+ نیم سهم + ۱		دقیقه + ۱/۵ و ۲ و ۱ ساعت + ۱۰	
پشیننه + ؟ + ۳ ساعت		دقیقه	
+ ؟			
۷ و ۳ و ۱/۵ و ۲ ساعت + ۷ و ۱ و ۳ دانگ از ۱۶۸ سهم + ۷		۳ و ۳ و ۱/۵ و ۲ ساعت + ۷ و ۱ و ۳ دانگ از ۱۶۸ سهم + ۷	آب قنات بدون ذکر نام
		ساعت	



مهم‌ترین قنات دو قرن اخیر تهران، بدون شک، رشته قنات مرحوم حاج علیرضا بود که در زمان فتحعلی‌شاه حفر گردید و در دوره ناصری به همراه املاک دیگری وقف شد. (کریمان، ۱۳۵۵: ۲). پیش‌تر به نقش این قنات وقفی، در رونق محله عودلاجان اشاره شد. از محمدمهدی ملک‌التجار، وقف‌نامه‌ای باقی مانده است که به موجب آن در سال ۱۲۷۱ ه.ق. پنج دکان و یک دکه را در محله بازار، وقف مخارج مسجد جنب حمام کرده است. (مرتضوی، ۱۳۹۱: ۲۱۳).

آقاخان نوری صدراعظم بعدی، سال ۱۲۷۰ ه.ق. در باغی برای پسرش، عمارت نظامیه را ساخت. قسمت جنوبی عمارت، آب دو قنات صدرآباد و کاظم‌آباد به درون حوض می‌ریخت و از اطراف پاشویه‌ها خارج می‌شد و به طرف محلات شهر و خانه‌هایش می‌رفت (دبیرسیاکی، ۱۳۷۸: ۳۰). میرزا آقاخان، طی وقف‌نامه‌ای مربوط به سال ۱۲۷۴ ه.ق. این دو قنات را وقف عام کرد تا مردم بتوانند برای مصارف روزانه، از آن بهره ببرند. (همان: ۳-۳۲) او کمی بعد، در دو وقف‌نامه دیگر که در سال‌های ۱۲۷۴ و ۱۲۷۵ ه.ق. به نگارش درآمده است، یک کاروان‌سرا، بیست و سه دکان، یک آب‌انبار، یک مسجد، و یک طویله و بهاربند را وقف کرد (رضایی، ۱۳۸۶: ۴۳۲ و ۴۳۴). مهم‌ترین وقف نوری، همان دو رشته قنات بود که با توجه به کم‌آبی تهران، اهمیت بسیاری داشت و موجب گسترش زمین‌ها و محلاتی شد که این دو رشته از کنار آن‌ها عبور می‌کرد.

قنات حسینییه یکی دیگر از قنات‌های وقفی مهم عصر ناصری است که توسط حاجی محمدحسین خان امیر تومان در سال ۱۲۸۳ ه.ق. برای تأمین آب شرب ساکنین محله چال‌میدان، اهالی کوچه غریبان حفر و وقف شد. تولید این قنات نیز با خود واقف بود و پس از او به اولاد ذکور و پس از انقراض احتمالی اولاد ذکور، به اعلم عادل ساکن دارالخلافه واگذار شد (مرتضوی، ۱۳۹۲: ۳۰-۱۲۹).

علاوه بر قنات‌ها، تأسیساتی چون آب‌انبار، سقاخانه، یخچال و سرداب نیز برای برطرف کردن کم‌آبی اهالی، احداث و وقف می‌شدند. در گذشته آب‌انبارها به منظور تأمین آب آشامیدنی گوارا، در مراکز پرجمعیت مانند بازارها، محلات و کاروان‌سراهای بین راهی ساخته می‌شد؛ نقش آب‌انبارها در بافت شهرهای مناطق کم‌آب ایران، چنان قابل توجه بود که در بسیاری از محله‌ها چشمگیرترین واحد معماری به شمار می‌رفت. آب‌انبارها و سقاخانه‌ها جزیی از بناهای خدمات شهری به شمار می‌رفتند ولی از نوعی قداست نیز برخوردار بودند. زیرا بیشتر به دست افراد نیکوکار، به یاد واقعه کربلا ساخته می‌شدند و موقوفات عام به حساب می‌آمدند. در دوره قاجار هر محله‌ای بسته به جمعیت و وسعتش، یک یا دو آب‌انبار داشت و آب‌انبارها به صورت تکی یا به بخشی از یک مجموعه، بافت مرکزی



محلّه را می‌ساخت. یکی از بزرگ‌ترین آب‌انبارهای تهران، آب‌انبار سید اسماعیل بود که در کنار امامزاده اسماعیل، بنا شده بود و محلّه چال‌میدان پیرامون این امامزاده و آب‌انبار شکل گرفته بود.

جدول شماره ۵. تعداد فقره‌ای بناهای وقف شده‌ی عام‌المنفعه

یخچال	۸ باب + ۲۳ دانگ از ۱۷ باب	آب‌انبار	۱۰ باب	حمام	۲۹ باب + ۱۶ دانگ از ۵ باب
غسالخانه	۱ باب	سرداب	۱ باب	قهوه‌خانه	۹ باب + ۳ دانگ از ۱ باب
سقاخانه	۲ باب	انبار	۱ باب	حجر طاحونه	۸ باب + ۳ دانگ از ۱ باب

سقاخانه‌ها معمولاً در مکان‌هایی ساخته می‌شد که مردم مشغله‌ی زیادی داشتند و از طرفی دسترسی به آب سخت بود. در دوران متأخر، حفر چاه و استفاده از تلمبه در احداث سقاخانه، این امکان را فراهم کرد که مردم بازار از آب آن با سهولت بیشتری بهره ببرند؛ ولی پیش از آن، برخی افراد برای ادای نذر، آب را از چاه می‌کشیدند و آب سقاخانه را تأمین می‌کردند و در صورت نبودن چاه، آب را از نقطه‌ای دور دست می‌آوردند و مخزن سقاخانه را برای استفاده عموم، پر می‌کردند. (احمدی‌ملکی، ۱۳۷۷: ۸۷).

علاوه بر این تأسیسات که به منظور تأمین آب اهالی احداث می‌شد، موقوفات دیگری نیز برای رفاه مردم وقف می‌شدند که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به حمام، حجر طاحونه (آسیاب)، غسالخانه و قبرستان اشاره کرد. حمام در فرهنگ اسلامی اهمیت ویژه‌ای دارد و برخلاف بسیاری از سرزمین‌ها که پس از عصر روشنگری به اهمیت پاکیزگی و بهداشت فردی پی بردند، مسلمانان طبق شریعت اسلامی موظف به استحمام و شست‌وشو بودند و بدین ترتیب، حمام‌های عمومی نقش مهمی در فضای معماری شهرهای ایران اسلامی داشتند؛ گسترش حمام‌های عمومی، به ویژه حمام‌های وقفی را می‌شود به خاطر دلایل زیر دانست:

۱. عدم توان مالی بیشتر مردم جهت ساخت حمام اختصاصی در خانه
۲. سود و درآمد قابل توجه حمام‌های عمومی
۳. ضرورت وجود حمام‌های عمومی در نزدیکی اماکن مقدس مانند زیارتگاه‌ها (علیزاده و شریفان، ۱۳۹۵: ۷۷-۸).

از آنجا که مردم توان مالی برای ساخت حمام اختصاصی نداشتند، در پی به وجود آمدن سنت وقف و بازتاب آن، حمام‌های عمومی برای سازندگان و وقف‌کنندگان، اهمیت پیدا کرد. در دوران اسلامی حمام به یک بنای مذهبی و



عام‌المنفعه مبدل شد که محل کسب اجر و پاداش اخروی بود و همچون بناهای دیگر، وقف می‌شد. در برخی شهرهای اسلامی مثل اصفهان دوره صفوی و استانبول دوره عثمانی، تعداد حمام‌های عمومی حتی از تعداد مساجد پیشی گرفت و با مالکیت شخصی و وقفی و یا رقبه درآمدزا در خدمت مسلمانان قرارگرفت. حمام‌های عمومی، علاوه بر بحث بهداشت و اهمیت مذهبی آن، به لحاظ اجتماعی نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بودند؛ زیرا مردم در این مکان جویای احوال یکدیگر می‌شدند و نسبت به رخدادهای جامعه، آگاهی بیشتری پیدا می‌کردند.

جدول شماره ۶. تعداد فقره‌ای مصرف خیریه موقوفات تهران دوره قاجار

۳۱	تأمین آب (قنات، سقاخانه، آب انبار)	۱۷	کمک به فقرای ارحام	۶۲	کمک به فقرا
۱۹	احداث پل، حمام، قبرستان، غسالخانه و...	۱۴	خیرات	۱۴	کفن و دفن اموات
۲	خیریه زردشتیان	۱	اطعام ایتام	۱۳	کمک به عزاب فقیر
۱	کمک به محبوسین	۱	وقف عام	۱	کمک به فقرای شیخیه

۲-۴- وقف و امور درمانی

این نوع مصرف به نسبت باقی مصارف، متأخرتر است و تحت تاثیر گسترش علوم غربی و پزشکی جدید در ایران، شایع شد و درصد بسیار اندکی از وقف‌نامه‌ها به این نوع مصرف اختصاص یافت. از آنجا که پیش‌تر به تفصیل به وقف‌نامه‌هایی با مصرف درمانی پرداخته شد، در این قسمت از تکرار آن صرف نظر می‌شود.

جدول شماره ۷. تعداد فقره‌ای مصارف درمانی موقوفات تهران دوره قاجار

۳	کمک به بیماران فقیر	۲	احداث مریض‌خانه
۸	مخارج مریض‌خانه	۱	موسسه پاستور

در دوره ناصری، چندین مریض‌خانه به سبک جدید بنا شد. یکی از آن‌ها مریض‌خانه عیسی خان وزیر بود که در آخرین روزهای حیات، شیخ هادی نجم‌آبادی را وصی خویش قرار داد تا با دارایی‌اش مریض‌خانه‌ای بسازد. این مریض‌خانه که سال ۱۳۱۸ ه.ق. افتتاح شد، واقع در خیابان شیخ‌هادی است (احمدی، ۱۳۸۷: ۱۵۱) در کتاب اسناد موقوفات ایران، دو وقف‌نامه از عیسی خان وزیر مربوط به سال‌های ۱۳۰۶ و ۱۳۰۷ ه.ق. آمده که بر اساس آن،



اموال واقف برای تأمین هزینه‌های مدرسه و مریض‌خانه وقف شده است. مروارید خانم، خواهر عیسی‌وزیر، نیز در چند نوبت اموال خود را برای تأمین هزینه‌های مریض‌خانه برادرش وقف کرد. (رضایی، ۱۳۸۶: ۴۱۱).

همچنین وقف‌نامه‌ای در سال ۱۳۴۲ ه.ق. از عبدالحسین میرزا فرمانفرما، برای ساخت مؤسسه پاستور و یک مریض‌خانه ثبت گردیده است (رضایی، ۱۳۸۶: ۹-۲۰۸). ماجرا از این قرار بود که در سال ۱۳۳۸ ه.ق. نصرت‌الدوله فیروز، وزیر امور خارجه، به همراه سه طبیب ایرانی عازم فرانسه شدند تا در کنفرانسی شرکت کنند. این گروه در چند جلسه، مذاکراتی با ریاست انستیتو پاستور داشتند و سه ماه بعد موافقت‌نامه‌ای را امضا کردند که سرمشق همکاری فنی ایران و فرانسه برای تأسیس انستیتو پاستور در ایران شد. در همان سال نصرت‌الدوله، طی قراردادی دکتر ژوزف منار را به عنوان رئیس انستیتو در ایران برگزید. زمانی که این شخص به تهران آمد، هیچ بنایی برای انستیتو در نظر گرفته نشده بود. بنابراین، منار و دستیاران ایرانی‌اش خانه‌ای را در خیابان استخر اجاره و فعالیت خود را آغاز کردند. وقتی فرمانفرما از اوضاع و احوال دکتر منار و همکاری‌اش آگاه شد، با وقف زمین، بناها و آب آشامیدنی مورد نیاز مجموعه و همچنین در نظر گرفتن عایدی مشخص، به تأسیس انستیتو پاستور ایران، یاری رساند (اتحادیه، ۱۳۸۱: ۹-۴۷).

۲-۵- وقف خاص

این نوع وقف، بدین سبب که عامه مردم از آن بهره‌ای نمی‌برند، وقف خاص نامیده می‌شود. وقف خاص انواعی دارد که مهم‌ترین آن، وقف اولاد و وقف برای مقبره واقف است. در این نوع وقف، واقف تمام یا بخشی از اموال را وقف امر شخصی کرده است. چنین وقفی دلایل گوناگونی دارد. اگر فرد تمام اموالش را وقف اولاد، صرف نظر از جنسیت کرده باشد، نشان می‌دهد که واقف از مصادره و غصب اموالش از طرف دولت یا اشخاص دیگر واهمه داشته است؛ و یا در حال مرگ بوده و فرزندانش کوچک بوده‌اند. در این صورت پدیده وقف می‌تواند حافظ اموال و پشتوانه فرزندانش باشد. اگر اموال فقط وقف اولاد ذکور شده باشد، علتش محروم کردن دختران از دارایی خانواده بوده است - به ویژه اگر تعداد دختران زیاد و پسران کم باشند- با توجه به این که در گذشته چنین برداشتی می‌شد که دختر پس از ازدواج به خانواده دیگری تعلق پیدا می‌کند و با انتقال اموال به دختر، اموال خانواده از آن‌ها غیر می‌شود. برخلاف وقف اموال برای یک جنسیت خاص، دختر یا پسر، که تا دوره ناصری برقرار بود، در سه دوره پایانی قاجار یعنی زمان سلطنت مظفرالدین‌شاه، محمدعلی‌شاه و احمدشاه، وقف اولاد به صورت کلی باب می‌شود.

در صورتی که یکی از فرزندان پیش از پدر یا گاهی مادر فوت کرده و صاحب اولاد باشد، در این صورت چون طبق احکام اسلامی، نوه از جد خود ارث نمی‌برد، ممکن بود بخشی از اموال را وقف کودکان فرزند درگذشته شود. یا



برادری متمول که نگران از خواهر و فرزندان بی‌بضاعت خود است، بخشی از اموال را پیش از مرگ برای مخارج خواهر و خواهرزادگان وقف می‌کند. به طور مثال در وقف‌نامه عیسی مجتهد چال‌میدانی، یکی از واقفان عصر احمدشاه، صراحتاً در وقف‌نامه قید شده است: «وقف اولاد غیر از بطن مرضیه خانم» (رضایی، ۱۳۸۶: ۲۵۹). این تأکید می‌تواند دلایل بسیاری داشته باشد. مرضیه خانم، احتمالاً همسر نخست و اصلی واقف است و فرزندانش کنترل امور را در دست دارند و واقف برای تضمین آینده فرزندان خردسال خود از همسران دیگرش، دست به چنین عملی زده است. افرادی مانند محمدآقا اصفهانی از واقفان دوره ناصری هم وجود دارد که بخشی از اموال خود را به خواهر و خواهرزادگان خود اختصاص داده‌اند (رضایی، ۱۳۸۶: ۳۳۰). به این سبب که از برادری که اولاد دارد، به خواهر ارث نمی‌رسد و يتحمل واقف نگران آینده خواهرش بوده است.

جدول شماره ۸. تعداد فقره‌ای مصارف خاص موقوفات تهران دوره قاجار

اولاد	۲۵	اولاد ذکور	۶	اولاد اناث	۳
وقف خواهر	۴	مقبره	۱۳	وقف فردی خاص	۲
وقف مادر	۱	وقف برادر	۱	وراث فقیر	۱
مقبره همسر سابق شوهر	۱	همسر	۱	وقف اولاد خواهر	۱

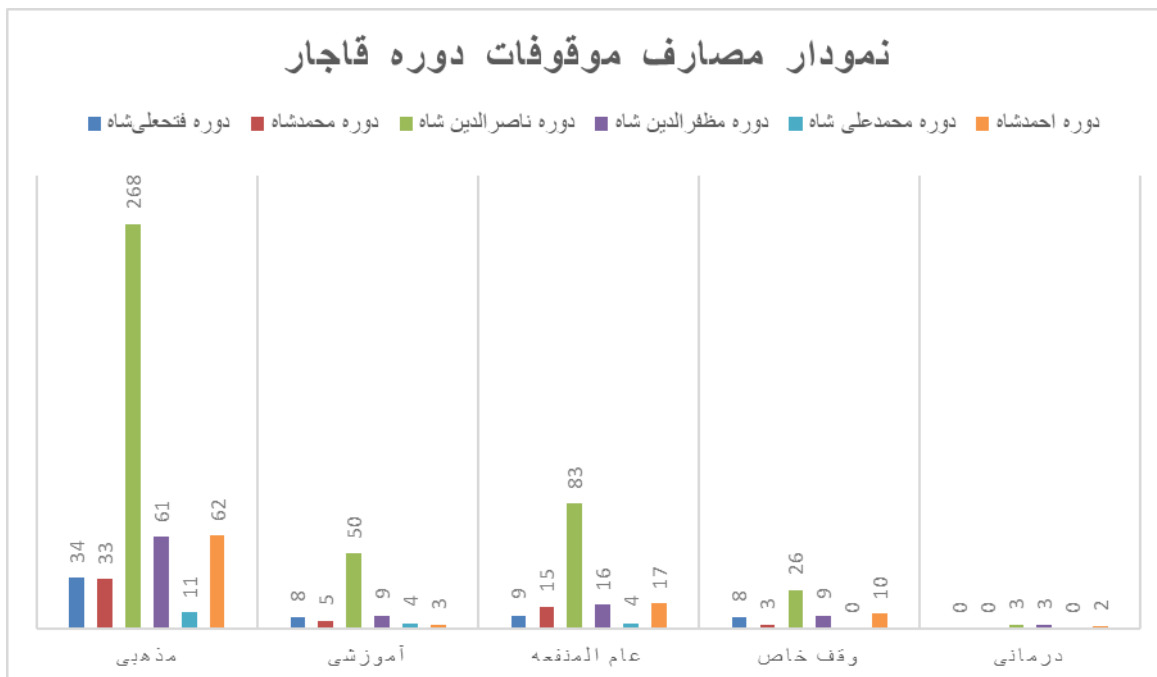
در سه دوره سلطنت آقامحمدخان، فتحعلی‌شاه و محمدشاه، هیچ وقف‌نامه‌ای برای حفظ و نگهداری از مقبره واقف ثبت نشده است. از دوره ناصری به بعد، بخشی از اموال را فقط و فقط برای مقبره خود یا دیگری وقف کرده‌اند. برای نخستین بار، علی‌خان، پیشخدمت خاصه و محمدخان حاکم، اموالی را وقف ردّ مظالم و مقبره محمدقاسم‌خان والی کرده‌اند. پس از این تاریخ، وقف بر مقبره واقف یا بستگان واقف افزایش یافت (رضایی، ۱۳۸۶: ۲۳۰).

۳- نتیجه‌گیری

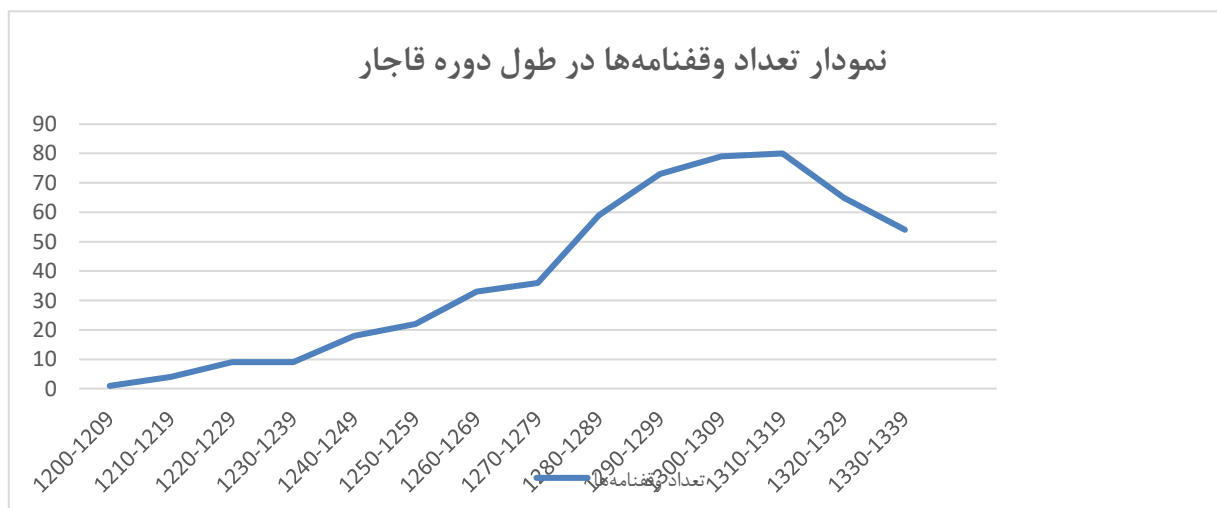
با بررسی دقیق داده‌ها در وقف‌نامه‌های موجود، چنان‌که در نمودار زیر مشاهده می‌شود در تمام دوره قاجار مصرف مذهبی بیشترین عایدات موقوفات را به خود اختصاص داده است که بین پنجاه و پنج تا شصت و شش درصد وقف‌نامه‌ها را شامل می‌شود. پس از مصارف مذهبی، امور خیریه و آموزش در جایگاه دوم و سوم مطارف وقفی قرار دارند. موقوفات درمانی از دوره ناصری به بعد دیده می‌شود. درصدهایی که در نمودار آمده است، از طریق گردآوری و طبقه‌بندی داده‌های خام موجود در کتاب فهرست اسناد موقوفات ایران و تکمیل آن با اطلاعات به دست آمده از بیش از دویست مقاله تهیه شده است تا صحت و درستی موقوفات به صورت علمی و مستدل، بررسی و ارائه گردد.



نمودار مصارف موقوفات دوره قاجار



نمودار تعداد وقفنامه‌ها در طول دوره قاجار



به نظر می‌رسد با توجه به شرایط اقتصادی- فرهنگی شهر تهران، در دوره قاجار، موقوفات به عنوان الگویی از عمل کرد واقفان، قابلیت پوشش چندین چالش را با توجه به نوع و فراوانی مصارف داشته است. از جمله موارد زیر:

- ✓ ایجاد نماد وقف تقویت و احترام به قرارداد شرعی و واجب العطاءه
- ✓ تأمین و اولویت‌بندی نیازهای رفاهی بر اساس کمبودهای مناطق شهری
- ✓ توزیع عادلانه‌تر منافع حاصل از درآمد مالکیت‌های وقفی



- ✓ تقویت بنیان تشکل های صنفی و دینی بر اساس مصارف وقفی
- ✓ حفظ و انتظام تشکیلات وقفی در زمینه های آموزشی و درمانی، در راستای سرمایه گذاری های کلان حکومتی

تعارض منافع

نویسندگانی که نام‌هایشان ذکر شده است تأیید می‌کنند که هیچ وابستگی یا مشارکتی با هیچ سازمان یا نهادی که منافع مالی (مانند حق الزحمه؛ کمک‌های آموزشی؛ شرکت در سخنرانی‌ها؛ عضویت، استخدام، مشاوره، مالکیت سهام یا سایر منافع مالی؛ و شهادت کارشناسی یا ترتیبات مجوز اختراعات) یا منافع غیرمالی (مانند روابط شخصی یا حرفه‌ای، وابستگی‌ها، دانش یا باورها) در موضوع یا مواد مورد بحث در این دست‌نوشته ندارند.

فهرست منابع

- اتحادیه، منصوره. (۱۳۸۱). «موقوفات و خدمات عام‌المنفعه عبدالحسین میرزا فرمانفرما»، نشریه وقف میراث جاویدان، ش ۳۷، صص ۴۷-۶۲.
- احمدی، نزهت. (۱۳۸۷). وقف و گسترش امور درمانی. تهران: بنیاد پژوهش و توسعه فرهنگ وقف.
- احمدی‌ملکی، رحمان. (۱۳۷۷). «سقاخانه‌های قدیمی تهران»، نشریه وقف میراث جاویدان، ش ۲۳ و ۲۴، صص ۸۴-۸۹.
- اسماعیلی، عصمت. (۱۳۷۴). «گزارشی از بنیاد موقوفات سردار فیروزکوهی». نشریه وقف میراث جاویدان، ش ۱۱-۱۲، صص ۱۲۰-۱۲۶.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن. (۱۳۶۳). المآثر الأثار. تهران: اساطیر.
- امانت، عباس. (۱۳۹۸). قبله عالم. به ترجمه ح. کامشاد. تهران: نشرکارنامه.
- دبیرسیاقی، محمد. (۱۳۷۸). «وقف‌نامه دو فئات صدرآباد و کاظم‌آباد و دکان‌های پیرامون باغ نظامیه تهران»، نشریه وقف میراث جاویدان، ش ۲۸، صص ۲۹-۳۶.
- رضایی، امید. (۱۳۸۶). فهرست اسناد موقوفات ایران از آغاز تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷. ج ۴. تهران: سازمان اوقاف و امور خیریه، انتشارات اسوه.
- ژوبر، پی‌یر. (۱۳۴۷). مسافرت به ارمنستان و ایران. به ترجمه م. مصاحب. تبریز: چهر با همکاری فرانکلین.
- سعدوندیان، سیروس؛ اتحادیه، م. (۱۳۶۸). دارالخلافة تهران، اسنادی از تاریخ اجتماعی تهران در عصر قاجار. تهران: نشر تاریخ ایران.
- شاه‌حسینی، پروانه. (پاییز ۱۳۷۵). «وقف‌شناسی جغرافیایی شهر تهران؛ دوره‌های قاجار و پهلوی»، نشریه جغرافیایی، ش ۴۲، صص ۱۳۳-۱۱۷.



- شاه حسینی، پروانه. (۱۳۷۷ الف). «ردیابی وقف در ساختار فرهنگی شهر تهران از دوره قاجار تا جمهوری اسلامی»، نشریه تحقیقات اجتماعی، ش ۴۸، صص ۱۱۱-۱۱۹.
- شاه حسینی، پروانه. (۱۳۷۷ ب). «موقوفات شهر تهران»، نشریه پژوهش‌های جغرافیایی، ش ۳۴، صص ۵۴-۷۱.
- صفری‌فروشانی، نعمت‌اله؛ قرائتی، حامد. (۱۳۹۵). «بررسی نقش آفرینی مسجد مدرسه‌ها در اصلاح و ارتقاء گفت‌وگو دینی (نمونه پژوهشی تهران در دور بررسی کارکرد حمام‌های وقفی در ایران)». نشریه وقف میراث جاویدان، ش ۹۴، صص ۷۵-۹۰.
- فلاندن، اوژن. (۲۵۳۶). سفرنامه اوژن فلاندن. به ترجمه ح. نورصادقی. تهران: اشرفی.
- فلور، ولیم. (۱۳۸۶). سلامت مردم در ایران. به ترجمه ا. نبی‌پور. تهران: بی‌نا.
- کریمان، حسین. (۱۳۵۵). تهران در گذشته و حال. تهران: دانشگاه ملی.
- کسروی، احمد. (۱۳۸۵). تاریخ مشروطه ایران. تهران: امیرکبیر.
- کشاورز، محمد (۱۳۸۸). انگیزه‌های واقفان در شهر تهران، میراث جاویدان، سال هفدهم شماره ۶۸، صص ۱۰۰-۱۰۹.
- کیهان، مسعود. (۱۳۱۰). جغرافیای مفصل ایران. تهران: چاپخانه مجلس.
- محقق‌حلی، نجم‌الدین جعفر. (۱۴۰۳ ق). شرایع السلام الحلال و الحرام. تهران: انتشارات استقلال.
- مرتضوی، مرضیه. (۱۳۹۱). «وقف‌نامه‌ای از آقا مهدی ملک‌التجار»، نشریه وقف میراث جاویدان، ش ۷۹-۸۰، صص ۲۰۷-۲۱۶.
- مرتضوی، مرضیه. (۱۳۹۲). «وقف‌نامه قنات حسینیة تهران»، نشریه وقف میراث جاویدان، ش ۸۴، صص ۱۲۷-۱۳۶.
- ورنر، کریستف. (۱۳۷۸). «زنان واقف در تهران عهد قاجار»، فصلنامه وقف میراث جاویدان، ش ۲۸، صص ۱۱۵-۱۲۲.